



چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۳
وطن امروز | شماره ۴۲۰۲

فرهنگ و هنر

اخبار

برنامه‌های متنوع سیما در مسیر آگاهی‌بخشی

مدیرکل برنامه‌های سیاسی رسانه ملی اعلام کرد برنامه‌های متنوعی با هدف روشن‌نگری و شفاف‌سازی موضوعات داخلی و خارجی روی آنتن شبکه‌های مختلف سیما می‌رود.محمدحسین روزی‌طلب با اشاره به برنامه‌های شاخصی چون «صفا اول»، «جهان اقتصاد»، «سلام خبرنگار» و «همیان» تأکید کرد: این برنامه‌ها با حضور کارشناسان و مسئولان، فضایی برای مطالبه‌گری و بررسی تحولات روز فراهم می‌کنند. وی افزود: برنامه «گفت‌وگوی ویژه»، پرمخاطب‌ترین برنامه شبکه خبر است و به‌زودی میزگردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جدیدی نیز به جدول پخش اضافه می‌شود. روزی‌طلب همچنین از تعامل گسترده با کارشناسان و دعوت از طیف‌های مختلف سیاسی خبر داد و تأکید کرد این روند، مانع ایجاد هرگونه تک‌صدایی در رسانه ملی است.

راهیایی ۳ مستند ایرانی به بخش

بین‌الملل جشنواره تلویزیونی مستند ۳ مستند «من محمدحسین را دوست دارم»، «آلبوم خانوادگی من» و «آن هفت روز» از بخش ملی جشنواره تلویزیونی مستند، به بخش بین‌الملل ویژه فلسطين راه یافتند.

بخش بین‌الملل ویژه «فلسطین» در هشتمین جشنواره تلویزیونی مستند، میزبان آثاری از کشورهای مختلف با موضوع فلسطین و تحولات غزه بوده است. از ایران نیز چندین مستند برای حضور در این بخش درخواست داده‌اند.

بر اساس اعلام دبیر‌خانه جشنواره، ۳ مستند ایرانی در این بخش به رقابت خواهند پرداخت: «من محمدحسین را دوست دارم» به کارگردانی سیمحمد محمدی‌سرشت، «آلبوم خانوادگی من» ساخته محمدرضا نوروزی‌بیگی و «آن هفت روز» به کارگردانی احسان شادمانی.

برگزیدگان این بخش در مراسم اختتامیه جشنواره تلویزیونی مستند که به‌زودی برگزار می‌شود، معرفی خواهند شد.

برگزاری پنل تخصصی اهدای عضو در جشنواره سینماحقیقت

در دومین روز از هجدهمین جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت، پنل تخصصی «چالش‌های اهدای عضو در سینمای مستند» با مشارکت مرکز گسترش سینمایی مستند و انجمن اهدای عضو ایرانیان برگزار شد. این پنل ساعت ۱۸ روز دوشنبه ۱۹ آذر، در سالن شماره ۴ پردیس چارسو برگزار شد.

چهره‌هایی چون کتابون نجفی‌زاده مدیرعامل انجمن اهدای عضو، امید قبادی نایب‌رئیس هیات‌مدیره، محمد مهدوی قود از تخصص بیوند قلب و فرهاد توحیدی فیلم‌نامه‌نویس، در این نشست حضور داشتند. کتابون نجفی‌زاده با تأکید بر اهمیت فرهنگ‌سازی برای اهدای عضو، به رتبه اول ایران در آسیا در این حوزه اشاره کرد و گفت: «هدف ما تولید آثاری با محوریت فرهنگ‌سازی برای نجات جان بیماران نیازمند و ترویج انسان‌دوستی است».

در ادامه این برنامه ارد عطارپور، مستندساز، خاطرات تأثیرگذار خود از ساخت مستندهای مرتبط با پیوند قلب را بازگو کرد و فرهاد توحیدی نیز بر مسؤولیت درام در خلق عاطفه تأکید کرد.

در این مراسم، تفاهنامه همکاری میان مرکز گسترش سینمای مستند و انجمن اهدای عضو قرائت شد. در پایان نیز سخنانی سغریی اهدای عضو به سخنران اعطا شد. جشنواره سینماحقیقت تا ۲۵ آذر ادامه دارد.

نمایشگاه «چند تکه آینه»؛ فرصتی برای پیوند سینما و هنرهای تجسمی

نمایشگاه گروهی «چند تکه آینه» که آثار تجسمی ۲۰ سینماگر ایرانی را به نمایش گذاشته است، از سوی میهن‌ما محدث، مهد هنری ایسن رویداد، به عنوان فرصتی برای مطالعات بین‌رشته‌ای و بررسی سلايق هنری سینماگران معرفی شد. این نمایشگاه در گالری تابستان خانه هنرمندان ایران برگزار شده و به دغدغه‌های اجتماعی و شخصی هنرمندان پرداخته است.

در این نمایشگاه آثار چهره‌های برجسته سینما مانند عباس کیارستمی، نیکي کریمی، مسعود کیمیایی، تهيه‌نده میلانی، نازنین بیاتی، مهدی پاکدل و فرهاد آئیش به نمایش درآمده است. این آثار طیفی از نقاشی تا عکاسی را شامل می‌شود. به عنوان نمونه، نقاشی‌های مسعود کیمیایی و نازنین بیاتی و عکس‌های مهدی پاکدل، ساعد نیک‌کدات و تورج اصلانی از جمله آثار شاخص این مجموعه هستند. نمایشگاه «چند تکه آینه» با آثاری که نمایانگر دغدغه‌ها و سلايق شخصی هنرمندان هستند، فضایی با فراهم آورده که نه‌تنها به هنرهای تجسمی، بلکه به تقاطع آن با سینما نیز توجه می‌کند. این رویداد تا پایان هفته جاری در خانه هنرمندان ایران ادامه دارد.

امضای تفاهنامه میان مؤسسه هنرمندان پیشکسوت و موزه‌های دفینه

دوشنبه ۱۸ آذر، مؤسسه هنرمندان پیشکسوت و گروه موزه‌های دفینه‌بنیادمستضعفان، تفاهنامه همکاری‌های فرهنگی امضا کردند. این تفاهنامه توسط سیدعباس عظیمی، مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت و حمیدرضا سالیسی، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی موزه‌های بنیاد مستضعفان به امضا رسید. در این تفاهنامه بر سرپرست همکاری‌های فرهنگی، هنری و آموزشی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک تأکید شده است. از جمله حاضران در این مراسم می‌توان به جهانگیر الماسی، رضانبخشه‌خواه، جلیل فرجاد و محمد فیلی اشاره کرد.

حضرت امام حسین (ع):

کسی که برای جلب رضایت مردم، موجب غضب خدا شود، خداوند او را به مردم وامی‌گذارد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی
مدیرعامل: زهرا شاکیبایی
سر‌دبیر: سعید عابدین نورالدینی

گفت‌وگو با روحانی‌ای که زندگی معتادان را تغییر داد

بازگشت از دل تاریکی

برنامه تلویزیونی «یکی از ما»، هر شب ساعت ۱۹ از شبکه ۳ سیما، روایت‌هایی از روحانیونی را به تصویر می‌کشد که زندگی‌شان را وقف اصلاح اجتماعی و خدمت به مردم کرده‌اند. یکی از این روایت‌ها، داستان جذاب و تأمل‌برانگیز حجت‌الاسلام محمدجعفر

که‌نسال از لنگرود بوده داستانی که توجه بسیاری از مخاطبان را به خود جلب کرد. در دل یک محله کوچک در گیلان، جایی که زندگی برخی مردم تحت تأثیر نزاع‌ها، اختلافات اجتماعی و آسیب‌های اعتیاد و مشروبات الکلی قرار داشت، داستانی نو آغاز شده؛ داستانی از انسانی که با دیدگاهی متفاوت و روحی بزرگ، تصمیم گرفت در قلب این مشکلات، تغییر را به ارغان بیاورد.

حجت‌الاسلام محمدجعفر که‌نسال روحانی‌ای که تصمیم گرفت به جای نصیحت‌های بی‌روح، با عمل و همراهی، دیوار‌های بی‌اعتمادی را بشکند و جامعه‌ای تازه بسازد. این داستان، فقط درباره تغییر یک محله نیست، بلکه درباره الگویی از انسانیت، همدلی و ایمان است که توانست جان‌های خسته را به زندگی بازگرداند. به بهانه پخش این برنامه، با حجت‌الاسلام که‌نسال درباره اقداماتش گفت‌وگو کردیم.

زیر سایه درخت سیب

همه چیز از زیر سایه‌ی یک درخت سیب شروع شد. حجت‌الاسلام که‌نسال با جمعی از افراد محلی که بیشتر‌شان سابقه‌هایی از نزاع و گریز از اجتماع داشتند، دورهمی ساده‌ای ترتیب داد؛ نزدیک به ۴۰ روز خنمه بود به ماه محرم سال ۱۴۰۰.

او با زبانی ساده و دلنشین شروع به صحبت کرد که این برنامه برای سیدالشهداست. هر کدام از ما می‌توانیم علم‌او را بلند کنیم. آن جلسه چیزی بیشتر از یک گفت‌وگوی ساده بود؛ جرقه‌ای برای امید و دگرگونی. همان جا بود که او پیشنهاد کرد موبکی

کلیدهای اصلی قصه معرفی شده بود، به سرعت حذف شد و جای خود را به شخصیت‌های جدید داد؛ شخصیت‌هایی همچون «هنریز» و «ایلی باران» که نه‌تنها نقشی اساسی در روایت داشتند، بلکه تنها به شلوغی بیهوده قصه افزودند. شخصیت «بهنام تشکر»، به عنوان سرده‌ست باند تپهکار، با اکتها و دیالوگ‌های غیرمنطقی وارد داستان شد. حتی بازیگرانی مثل حسن معجونی و ترلان پرونه که می‌توانستند

وزنه‌های سنگینی برای شخصیت‌پردازی باشند، به‌گوشه‌ای رانده شدند و نقش‌های‌شان از قوام افتاد. سریال در این بخش‌ها تلاش کرد تا ایده اختلاف طبقاتی را وارد روایت کند اما این ایده نیز در سطحی‌ترین شکل ممکن باقی ماند. ثروت و فقر در «گردن‌زنی» صرفاً به لباس و محیط خلاصه شده بود و عمق اجتماعی یا روان‌شناختی نیافت.

درام جنایی یا درام خانوادگی؟

از قسمت چهارم به بعد، سریال از مسیری که وعده داده بود فاصله گرفت. به جای آنکه درامی جنایی – معمایی با ریشه‌های اجتماعی باشد، به اثری درام با محوریت عواطف خانوادها تبدیل شد. روابط میان اعضای خانواده، خیانت‌ها و رازهایی که از گذشته سر برمی‌آورند، جای تعلیق و تنش جنایی را گرفتند. این تغییر تمرکز که می‌توانست به تعمیق روایت کمک کند، به‌دلایل ضعف شخصیت‌پردازی و ساختار ضعیف داستانی، نه‌تنها به جذابیت سریال نیفزود، بلکه آن را از هویت اولیه‌اش دور کرد.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۳ | فکس: ۶۶۴۱۳۷۲۴ | ایمیل: info@vatnemrooz.ir
پيام‌سان: Vatnemrooz | بستر الكترونيك: Vatnemrooz.ir | تلويزيون: ۶۱۹۲۳۰۰۰ | چاپ: مؤسسه جام‌جم پرنر برنا | توزيع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰۰



می‌توانند تأثیر عمیقی بر تصویر روحانیت در جامعه داشته باشند: «متأسفانه نگاه برخی جوانان به روحانیت تیره شده است اما وقتی روحانی محفل خودشان را می‌بینند که صمیمانه با مردم است و در مشکلات‌شان سهیم می‌شود، نظرشان تغییر می‌کند. این وظیفه رسانه است که این تصاویر واقعی را نشان دهد». او پیشنهاد می‌دهد که در فصل‌های بعدی این برنامه، مستند و مصاحبه‌ها به‌صورت یک‌پارچه پخش شوند تا مخاطب بهتر با داستان‌ها ارتباط برقرار کند: «یکی از ضعف‌هایی که من دیدم، این بود که مستند توسط شبکه مستند پخش شد و مصاحبه‌ها از شبکه ۳. اینها اگر با هم ترکیب می‌شد، اثرگذاری بیشتری داشت. بعضی‌ها مستند را دیده بودند و بعضی‌ها مصاحبه را. در مستند صحبت از بچه‌های طیب شد اما برخی نمی‌دانستند که بچه‌های طیب چه کسانی هستند. اگر مستند و مصاحبه‌ها به‌طور یکپارچه پخش می‌شد، مفاهیم برای مخاطب بهتر می‌افتاد و اثرگذاری بیشتری داشت».

مسجد؛ پایگاهی برای همه

بزرگ‌ترین تغییر حجت‌الاسلام که‌نسال در منطقه، تبدیل مسجد به پایگاهی برای همه بود. او می‌گوید: «مردم دیدند که می‌شود با همه افراد تعامل کرد. مسجد و برنامه‌هایش مال یک قشر خاص نیست. ما مهد کودک راه انداختیم تا کودکان ۵-۶ ساله بیایند. کلاس‌های تقویتی رایگان برای نوجوانان برگزار کردیم که حتی مادرانی که حجاب نداشتند، برای همراهی فرزندان‌شان به مسجد آمدند. در همین مدت کوتاه، خانمی

به‌طور ویژه برای صحبت و گفت‌وگو با مادران کم‌حجاب حضور می‌یافت و این ارتباط‌ها زمینه‌ساز تغییرات مثبت در روابط و پوشش آنها می‌شد».

از «یکی از ما» تا الهام‌بخشی برای نسل جوان

برنامه تلویزیونی «یکی از ما» داستان این تحولات را به تصویر کشید. حجت‌الاسلام که‌نسال معتقد است چنین برنامه‌هایی

مشکلات فنی و اجرایی

یکی از نکات منفی مداوم در «گردن‌زنی»، کیفیت پایین فنی آن است. تدوین پرشتاب و کات‌های بی‌موقع، صداگذاری آزاردهنده و دیالوگ‌هایی که به وضوح شنیده نمی‌شوند، همگی از مشکلاتی هستند که در قسمت‌های مختلف سریال تکرار شده‌اند. حتی بازیگران باسابقه‌ای مثل مه‌رآن غفوریان و حسن معجونی نیز نتوانست‌اند از این ضعف‌ها عبور کنند.

پیشرویی‌های کند، پایان‌های نامعلوم

در قسمت‌های دوازدهم و سیزدهم، سریال به نقطه‌ای رسیده است که بیشتر رازها برای مخاطب آشکار شده‌اند اما به‌جای آنکه به سمت اوج داستانی یا یک پایان‌بندی شگفت‌انگیز حرکت کند، همچنان درگیر دیالوگ‌های طولانی و کش‌دار است. شخصیت‌هایی که زمانی محور بودند، حالا به حاشیه رانده شده‌اند. حضور کمرنگ «حسن معجونی» و «ترلان پرونه» و تمرکز بر روابط عاطفی میان شخصیت‌هایی نظیر «بهمن» و «مونا»، از نشانه‌های آشکار این روند است. این در حالی است که مخاطب انتظار دارد داستان سریع‌تر پیش برود و پایان‌بندی روشنی برای تمام گره‌های روایی ارائه شود.

آینده‌ای مبهم

«گردن‌زنی» مثالی است از سریالی که با پتانسیلی بالا آغاز شد اما در مسیر ساخت، گرفتار کلیشه‌ها و ضعف‌های ساختاری شد. ایده‌های نوآورانه، شخصیت‌هایی با ظرفیت بالا و تم‌هایی که می‌توانستند به اثری ماندگار تبدیل شوند، همگی در سایه ضعف اجرایی و داستان‌پردازی نیمه‌کاره گم شدند. این سریال اگر چه توانست در برخی لحظات مخاطب را جذب کند اما در کلیت خود نتوانست انتظارات را برآورده سازد. «گردن‌زنی» بیش از آنکه اثری جنایی یا معمایی باشد، به درامی خانوادگی تبدیل شد که نه عمق لازم را داشت و نه از سطح فراتر رفت. شاید درسی که از این سریال می‌توان گرفت، این باشد که تنها ایده‌های اولیه کافی نیستند؛ اجرایی قدرتمند، شخصیت‌پردازی دقیق و ساختاری منسجم است که می‌تواند یک اثر را به یادگار بگذارد.

به انگیزه‌ها باز نشر رمان بلندو خواندنی نادر ابراهیمی؛ نگاهی به «آتش بدون دود»

شمع‌ی در باد!

پیش تعیین‌شده اما آنچه این رمان را متمایز می‌کند، رویکردش به شکستن این چارچوب‌هاست. قهرمانان داستان، از گالان تا آنتی، هر یک به شیوه‌ای برابر این قید و بندها می‌ایستند و مسیر تازهای می‌گشایند؛ مسیری که به راهی از ایدئولوژی و بازاری‌فرینی هویت منتهی می‌شود و اینگونه است که با هر کلمه، گویی ملتی از نو متولد می‌شود.

تکلمه: خواندن «آتش بدون دود»، برای ما که امروز از کتاب فاصله گرفتیم، سفری است به درون خود. کتابی که با هر ورق، آتشی بر جان‌مان می‌زند و از میان دود، حقیقتی روشن را نمایان می‌کند. «آتش بدون دود»، فراتر از یک رمان تاریخی، تابلویی است از نبرد ابدی انسان برای آزادی. ابراهیمی، با قلمی استادانه، به ما یادآوری می‌کند که هر تغییری، هر چند کوچک، می‌تواند آغازگر انقلابی بزرگ باشد. گالان و آنتی، در این داستان، مظاهری هستند از روح انسانی که همواره در جست‌وجوی نور و روشنایی است؛ نوری که حتی در میان تاریک‌ترین شب‌ها، راه روشن‌شان را امیسر می‌سازد.



تفکرات پوچ و تعصبات متحجرانه، نهایت روزی برابر قدرت تعدد و نور نوگرایی فرو می‌ریزند.

با جلد دوم، زمان جلو می‌رود. دیگر گالان و سولماز نیستند اما از تپه‌شان باقی است. نوادگان آنها، بویژه آنتی، میراث عشق و جسارت را از خود محمل می‌کنند. آنتی، جوانی آرمان‌گرا، می‌خواهد از چارچوب صحرایی محدود بگذرد و دنیای بزرگ‌تری بسازد. او به شهر می‌رود، علم می‌آموزد و علیه ظلم و بیداد و جور و جهل و استبداد قیام می‌کند.

با ورود آنتی به داستان، تقابل با ایدئولوژی ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کند. او که برای تحصیل به شهر فرستاده می‌شود، نمادی از گسست از باورهای کهن و پیوند با دنیای مدرن است اما این گذار آسان نیست. مخالفت‌های شدید اهالی اوبه، که در شهری‌ها تنها نمایندگان نظام ستمگر پهلوی را می‌بینند، نشان از عمق زخم‌های تاریخی دارد: «ما دشمن شفا نیستیم؛ دشمن آنهایی هستیم که به بهانه درمان، درد می‌فرشند». این سخنان، حکایت از ترسی ریشه‌دار دارد؛ ترسی که ترکمن‌ها را از ارتباط با شهری‌ها بازمی‌دارد اما آنتی، با دانش و آگاهی که به دست می‌آورد، به سلاخی تبدیل می‌شود برای مقابله با همین‌گونه ترس و وحشت.

در جهان نویسنده، ایدئولوژی چیزی فراتر از باورهای ساده است؛ مجموعه‌ای پیچیده از گفتمان‌ها که به شکلی نامرئی، انسان‌ها را به پیروی از خود وامی‌دارد. لونی اتوسر، فیلسوف برجسته مارکسیست، معتقد بود ایدئولوژی از طریق نهادهای اجتماعی و فرهنگی به گونه‌ای عمل می‌کند که انسان‌ها ناخودآگاه در خدمت طبقه حاکم قرار می‌گیرند. به باور او، آموزش و دیگر دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت، افراد را چنان پرورش می‌دهند که آنان نقش‌های اجتماعی ازپیش تعیین‌شده خود را بدون هیچ مقاومتی بپذیرند. «آتش بدون دود»، صحنه‌ای است که در آن این سازوکارها به چالش کشیده می‌شوند. ترکمن‌صحرابا همه سنت‌ها و آیین‌هایش، نمادی از یک جامعه ایدئولوژیک است که افراشد در سایه باورهای کهن، زندگی خود را سامان می‌دهند. در این جامعه، اطاعت بی‌چون و چراز پدران، قاعده‌ای مقدس است اما همین چارچوب‌های خشک،